

Analyzing and Investigating the Functions of the Center for Intellectual Development of Children and Teenagers in the Second Pahlavi Period

Hasan Shamsabadi*

Amir Aazimii Dovlatabadi**

Abstract

The Center for Intellectual Development of Children and Adolescents began to operate as one of the cultural institutions in the second Pahlavi period, in 1344. The main question is, what were the functions and malfunctions of the center in relation to the Pahlavi government and Iranian society? In this research, with a historical approach and based on the documentary method and relying on the main sources and documents of archival centers, magazines and oral interviews, the center's activities have been discovered, described and analyzed. The findings of the research show that this cultural institution, during its twelve years of operation, by establishing several libraries and carrying out various activities in the field of books, theater, cinema, animation and music, provides children and teenagers with books, cultural activities and most importantly what He passed around them and introduced them. Although the center by attracting a part of the intellectuals of the left and protesting the government, it made them passive to a great extent; However, he could not fulfill the task of raising a generation loyal to the ideal of the Pahlavi monarchy, which should be prepared for

* Researcher of contemporary history of Iran and Islamic revolution (Corresponding Author),
hasanshamsabady@yahoo.com

** Assistant Professor of Sociology Department, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research
Institute, aazimii@yahoo.com

Date received: 2022/04/04, Date of acceptance: 2023/04/10



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

"entering the stage of modernity" and great civilization. Therefore, the center for the Pahlavi government is dysfunctional; But it has had positive hidden functions for Iranian society. Writers, directors, actors and painters who started their careers from the center, after the overthrow of the Pahlavi government, their art was put at the service of the revolution.

Keywords: Center (Kanon) for intellectual development of children and teenagers, functional analysis, Pahlavi regime, dysfunctional, legitimization.



تحلیل و بررسی کارکردهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره پهلوی دوم

حسن شمس آبادی*

امیر عظیمی دولت آبادی**

چکیده

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از نهادهای فرهنگی در دوره پهلوی دوم، در سال ۱۳۴۴ش شروع به فعالیت کرد. پرسش اصلی این است که کارکردها و کژکارکردهای کانون در ارتباط با حکومت پهلوی و جامعه ایران چه بوده است؟ در این پژوهش با رویکرد تاریخی و براساس روش اسنادی و با اتکاء به منابع اصلی و مدارک مراکز آرشیوی، مجلات و مصاحبه شفاهی، به کشف، توصیف و تحلیل فعالیت‌های کانون پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این نهاد فرهنگی، طی دوازده سال فعالیت، با تاسیس کتابخانه‌های متعدد و انجام فعالیت‌های متنوع در حوزه کتاب، تئاتر، سینما، انیمیشن و موسیقی، کودکان و نوجوانان را با کتاب، فعالیت‌های فرهنگی و از همه مهمتر آنچه در پیرامون آنها می‌گذشت آشنا کرد. هرچند کانون با جذب بخشی از روشنفکران چپ و معترض حکومت، آنان را تا حدی زیادی منفعل کرد؛ با این حال نتوانست به وظیفه تربیت نسلی وفادار به آرمان سلطنت پهلوی که می‌بایست برای «ورود به مرحله تجدد» و تمدن بزرگ آماده شوند، عمل نماید. لذا کانون برای حکومت پهلوی دارای کژکارکرد؛ اما برای جامعه ایران دارای کارکردهای پنهان مثبت بوده است. نویسندگان، کارگردانان، بازیگران و نقاشانی که کار خود را از کانون آغاز کردند، بعد از سرنگونی حکومت پهلوی، هنر آنها در خدمت انقلاب قرار گرفت.

* پژوهش‌گر تاریخ معاصر ایران و انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)، hasanshamsabady@yahoo.com

** استادیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، aazimii@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱



کلیدواژه‌ها: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تحلیل کارکردی، رژیم پهلوی، کژکارکرد، مشروعیت بخشی.

۱. مقدمه

تحلیل‌های کارکردی به طور معمول بر تحلیل جوامع، فرهنگها و سازمانها تمرکز دارند. (ریترز ۱۳۹۲: ۱۵۶) و به خوبی از عهده توصیف (عمدتاً) و تبیین این امور براساس پیامدهای آنها برمی‌آیند، (بودون و بوریکو ۱۳۸۵: ۵۴۹) اما در عین حال، این تحلیل‌ها به اندازه کافی به تاریخ توسعه و تکامل آنها نمی‌پردازند. (ریترز ۱۳۸۲: ۱۵۰) اگرچه به عقیده بودون (۱۳۸۵) بی‌توجهی به تاریخ، ذاتی این تحلیل‌ها نیست و می‌توان از رویکردهای تاریخی برای تکمیل این گونه تحلیل‌ها استفاده کرد. به عبارت دیگر تحلیل‌های کارکردی و تاریخی می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. این مقاله از همین منظر تلاش کرده است تا پیامدهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به عنوان یکی از سازمانهای فرهنگی رژیم پهلوی که فعالیت‌های آن بعد از سرنگونی این رژیم همچنان تداوم یافته است را با استفاده از رویکرد کارکردی و تاریخی موردبررسی قرار دهد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هدف جمع‌آوری و تنظیم کتاب برای اطفال و نوجوانان در آذر ۱۳۴۴ تاسیس شد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۱، ج ۲۱۶، ۲۱۷/۲: ۱۳۴۴/۹/۲) اما به تدریج فعالیت‌های خود را در حوزه‌های مختلف فرهنگی از جمله امور کتابخانه، حوزه نشر کتاب، امور سینمایی و فستیوال‌های فیلم کودک و نوجوان گسترش داد. اولین و مهمترین فعالیت کانون، تاسیس کتابخانه‌های متعدد در تمام مناطق شهر تهران و شهرستان‌ها بود. در آغاز سال تحصیلی ۱۳۴۵، اولین کتابخانه کانون شروع به کار کرد و در همان سال اول فعالیت، ۶۲۰۰ عضو و بالغ بر ۵۸۳۱۱ مراجعه کننده داشت. آمار کتابخانه‌های کانون در تهران تا اواخر سال ۱۳۴۶ به ده کتابخانه رسید که اغلب آنها در مناطق جنوبی شهر تهران تاسیس شدند. در سال ۱۳۵۰، حدود ۲۱ کتابخانه ثابت و ۳ کتابخانه سیار با ۷۰۳۸۸ عضو و در شهرستانها ۵۵ کتابخانه ثابت با ۱۸۳۷۷۱ نفر عضو فعالیت می‌کردند. (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۲، ج ۲۰، ۲۰/۵: ۱۳۴۶/۱۰/۵) ایجاد کتابخانه‌های روستایی نیز در کانون از همان ابتدای تاسیس مورد توجه قرار گرفت. برطبق یکی از گزارش‌های دفتر مخصوص فرح، در سال ۱۳۵۰ حدود ۱۰۷۱ روستا و بالغ بر ۱۲۷۱۱۰ نفر از خدمات کتابخانه‌های روستایی استفاده می‌کردند. (همان: ۱۰۴) با افزایش نرخ باسوادی در ایران،

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۳۹

که در یک دوره حدوداً ده ساله از سال ۱۳۳۲ش تا اوایل دهه چهل، تعداد دانش‌آموزان از ۷۳۰ هزار نفر به دو میلیون و هفتصد هزار نفر رسید؛ (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۲، ج ۱۹، ۱۳۴۶/۹/۱۸: ۱۹) فعالیت‌های کانون بیش از پیش اهمیت بیشتری یافت.

نکته مهم این که، با شتاب گرفتن روند اصلاحات فرهنگی و اجتماعی در ایران، ایجاد هویت فرهنگی جدید و آماده سازی نسلی نو و معتقد به میهن برای ورود به دوران تجدید ضروری بود. (اطلاعات، س ۴۵، ش ۱۳۳۰۳، ص ۱۳۴۹/۷/۱، ص آخر) نهادهای فرهنگی از جمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌بایست این وظیفه را انجام و آن را برآورده کنند. این تحقیق، تلاشی است برای بررسی نتایج و پیامدهای تاسیس کانون برای رژیم پهلوی، و به‌طور مشخص به دنبال پاسخ به این پرسش است که کانون چه کارکردها و کژکاردهایی در ارتباط با رژیم پهلوی و جامعه ایران داشت؟ به عبارت دیگر، کارکردهای آشکار و پنهان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره پهلوی دوم کدامند؟ و کانون چه کارکردها و کژکاردهایی در ارتباط با رژیم پهلوی دوم داشته است؟

۲. پیشینه پژوهش

درباره کانون چندین پژوهش انجام شده است. کتاب «یک شاخه در سیاهی جنگل» دربردارنده چند مصاحبه و گفتگو با علی میرزایی است که در سال‌های مختلف و در نشریه‌ها گوناگون منتشر شده است. مصاحبه شونده از مدیران کتابخانه‌های کانون بوده و مطالب وی به طور عمده بر فعالیت‌های کتابخانه‌های کانون تمرکز دارد. داریوش پارسا نژاد در پژوهشی با عنوان «جریان‌های فکری حاکم بر تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با روش تاریخ شفاهی» (۱۳۹۶) دیدگاه‌های غالب بر کانون را در سه مقطع قبل از پیروزی انقلاب، مقطع جنگ تحمیلی و در دوران دولت سازندگی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که تفکر چپ‌گرایی، انقلاب اسلامی و جریان محافظه‌کارانه به ترتیب بر فضای کانون در سه دوره مذکور حاکم بوده است. بتول احمدی در تحقیقی با عنوان «بررسی کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» (۱۳۵۱) پراکندگی و موقعیت جغرافیایی کتابخانه‌های کانون در شهرهای مختلف و ساختار و تشکیلات آنها را مورد بررسی قرار داده است. منصور کدیور در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دو مرحله پیش و پس از انقلاب اسلامی» (۱۳۶۱-۱۳۶۲) به بررسی محتواهای سیاسی و اجتماعی آثار مکتوب در کانون پرداخته است. یافته‌های

پژوهش او بیانگر آن است که آثار شاخص در کانون بیشتر بدنبال برآورده کردن دغدغه‌های اعتراضی و سیاسی روشنفکران بوده و نویسندگان و هنرمندانی که در کانون مشغول بودند، عموماً رویکردی سیاسی و ضد حکومتی داشتند. وحید طوفانی اصل در پژوهشی با عنوان «مقایسه کمی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۷ و ۱۳۵۸-۱۳۶۷» (۱۳۶۹) به مقایسه کمی کتاب‌های منتشر شده توسط کانون در این دو مقطع پرداخته است. در این اثر جزئیاتی درباره موضوع، تیراژ، تعداد کتابهای تجدید چاپ شده، گروه‌ها سنی، پدیدآورندگان و مصوران هر یک از کتابها آمده است. مریم محمدی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی نقش حیوانات در داستان‌های فارسی کودکان منتشره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۵-۱۳۷۸)» (۱۳۷۹) با بررسی نقش هر یک از حیوانات در کتاب‌های داستانی کانون، نتیجه گرفته است که تعاون و همکاری و نفی دروغگویی با ۱۸/۶، مهربانی با ۱۵/۵ و پس از آن وحدت و همدلی با ۱۲/۴ درصد به ترتیب بیشترین فراوانی موضوعات کتابها را تشکیل می‌دهد. محمود طاهر احمدی در مقاله‌ای با عنوان «از شورای کتاب کودک تا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۱-۱۳۵۷)» (۱۳۸۲) تنها به بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری کانون پرداخته و اساساً به تحلیل محتوای کتاب‌ها ورود نکرده است. سعید شریفی در مقاله «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» (۱۳۷۷) به نهادهای فرهنگی سیاستگذار در حوزه کودکان و نوجوانان در قبل از انقلاب پرداخته است و از سه نهاد شورای کتاب کودک، مرکز انتشارات آموزشی و کانون به عنوان مهمترین نهادهای تاثیرگذار در این حوزه نام برده است. فروغ رحیمی در مقاله «تاریخچه، ساختار و تشکیلات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» (رحیمی، ۱۳۸۷) به اختصار درباره تاسیس کانون و تشکیلات توضیح داده است. در ماهنامه فرهنگی و هنری آنگاه (ش ۲: بهار ۱۳۹۶) ضمن گفتگو با چند تن از دست‌اندرکاران کانون، فعالیت‌های فرهنگی مختلف کانون نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

آثار فوق به طور عمده بر گزارش و بررسی عملکرد کانون، متمرکز بوده‌اند و پیامدهای عملکرد آن را به عنوان یک نهاد فرهنگی مرتبط با نظام بزرگتر (جامعه ایران و رژیم پهلوی) مورد توجه قرار نداده‌اند. پژوهش حاضر بدنبال آن است تا با استناد به مدارک و اسناد معتبر، کارکردها و کژکاردهای کانون را به عنوان یک نظام و نهاد فرهنگی در ارتباط با نظام‌های بزرگ‌تر در دوره پهلوی دوم مورد بررسی قرار دهد.

۳. چهارچوب نظری: تحلیل کارکردی

به رغم تمامی مناقشات بی‌پایان لفظی و نظری پیرامون «کارکردگرایی» و اتهام‌های غایت‌شناسانه (تبیین امور بر اساس کارکرد آنها) و همانگویانه به تبیین‌های کارکردی (ر.ک: لیتل ۱۳۷۳؛ کرایب ۱۳۷۶؛ ترنر ۱۳۹۴) به نظر می‌رسد یکی از رهیافت‌هایی که همچنان به خوبی به کار تبیین پدیده‌ها و نهادهای فرهنگی براساس پیامدهای آنها می‌آید، تبیین کارکردی است.

به بیان اسکیدمور، جان کلام کارکردگرایی بسیار ساده است: یک کل مرکب از اجزا است؛ اجزایی که آن را به وجود آورده و در بقای آن سهیمند. اگرچه هم اجزا و هم کل ممکن است تغییر پیدا کنند. ایده کل بیرون از اجزاء، کل نیازمند اجزاء و اجزای نیازمند به کل است که کارکردگرایی را به عنوان یک نظریه درمی‌آورد. چنین نظریه‌ای می‌تواند در مورد خانواده، دولت، یک آیین فکری، یک نهاد، یک جامعه به کار برود. کارکردگرایی نمی‌خواهد برای فهم حیات اجتماعی آن را در هم بشکند و به کوچکترین اجزاء تقلیل دهد. بلکه درصدد است ماهیت درهم تافته، زنده و متقابلاً سازگار یک نظام اجتماعی را در کلیتش بفهمد. این امر مستلزم آن است که ما در اجزا وحدتی را بازشناسیم که براساس آن، اجزا و کل درهم‌تنیده شده و یک هویت به دست آورده باشند. (اسکیدمور ۱۳۸۵: ۱۶۵-۱۶۶)

براساس تحلیل کارکردی، هر جامعه و یا هر بخش از آن، یک نظام است. ایده جامعه به‌عنوان نظام، سه ویژگی مهم دارد: ۱. هر نظام از مولفه‌ها یا اجزای جداگانه متعددی تشکیل می‌شود؛ ۲. مولفه‌های نظام‌ها متقابلاً به یکدیگر وابسته یا با هم مرتبط‌اند، به طوری که تغییرهای پدید آمده در یک جزء، دست کم در یک جزء دیگر تغییراتی پدید می‌آورد. ۳. از آنجا که اجزای یک نظام متقابلاً به هم وابسته‌اند، معمولاً در روابط متقابل‌شان به نوعی یکپارچگی، یا تعادل و یا حالت پایدار می‌رسند. (استارک ۱۳۹۴: ۱۲۲)

معمول این است که اصطلاح «تحلیل کارکردی» به تبیین‌هایی اختصاص یابد که ما را در شناختن هستی یک نهاد، در نبود اطلاعات تاریخی درباره تکوین آن یا مرجع اطلاعات تاریخی موجود، کمک کند. (بودون و بوریکو ۱۳۸۵: ۵۴۹). همچنین این شاخه از تحلیل‌های علوم اجتماعی به جهت‌گیری نظری و روش‌شناسانه‌ای اطلاق می‌شود که در آن پیامدهای پدیده‌های تجربی معین کانون تحلیل قرار می‌گیرند نه علت‌های آنها. اصطلاح کارکردگرایی به مجموعه رهیافت‌های مختلفی اطلاق شده است که وجه مشترک همه آنها توجه به روابط یک بخش از جامعه با بخش دیگر یا شاید با کل جامعه است. تحلیل علی و کارکردی دو رهیافت جداگانه و متمایزند که لازم نیست حتماً رقیب یکدیگر باشند. (آوتویت و باتامور ۱۳۹۲: ۲۴۰)

همان‌گونه که بودون و بوریکو یادآور شده‌اند: از یک طرف، مفهوم کارکرد لزوماً نه تصویر اندام‌واره‌ای جامعه‌ها را تداعی می‌کند، نه با روش تبیین‌های غایت‌شناختی سازگار است و از طرف دیگر مفهوم «تحلیل کارکردی» رهیافت تحقیقی مشروعی است که هدفها و اصول آن را به روشنی می‌توان تعریف کرد. برحسب زمینه‌های خاص تحقیق، تحلیل کارکردی می‌تواند از اطلاعات تاریخی و از مطالعات تطبیقی استفاده کند. متقابلاً تحلیل تاریخی نیز کم و بیش از رهیافت‌های تحلیل کارکردی استفاده می‌کند. لذا اندرز روش شناختی دورکیم که در کتاب قواعد روش جامعه‌شناسی اعلام شده است هنوز معتبر است. تحلیل کارکردی و تحلیل ژنیک (تحلیل علت‌ها به گفته دورکیم) دو رهیافت متکامل هستند که تلفیق آنها، هرگاه میسر باشد، توصیه می‌شود (بودون و بوریکو ۱۳۸۵: ۵۴۹-۵۵۰)

پیشگامان تحلیل کارکردی، امیل دورکیم در فرانسه و هربرت اسپنسر در بریتانیا بودند. نحله دورکیمی را بعدها انسان‌شناسانی چون رادکلیف-براون و برونیسلاو مالینوفسکی در بریتانیا و جامعه‌شناسانی مانند تالکوت پارسونز و رابرت کی‌مرتن در آمریکا بسط و گسترش بیشتری دادند. بیشتر این پیشگامان به جوامع و نهادها همچون نظامی می‌نگریستند که همه بخش‌ها در آن به خوبی به یکدیگر وابسته‌اند و با هم کار می‌کنند تا تعادل و یکپارچگی اجتماعی برقرار شود. آنها به این گرایش داشتند که هر عنصری که در حفظ کلیت بزرگتر سهم و نقش دارد، عامل مثبتی است. آنها جامعه را با این پرسش تحلیل می‌کردند که آیا ساختارهای فرهنگی و اجتماعی به خوبی یکپارچه شده‌اند یا به شکل بدی درهم آمیخته‌اند. آنها هم‌چنین به کمک‌ها و پیامدهایی علاقمند بودند که آداب و رسوم و نهادها به جوامع می‌رسانند.

اما در این میان، مرتن از طریق پارادایم خود برخی از جنبه‌های مهم نظریه کارکردگرایانه را روشن و بر آنها بازتمرکز کرد. مهم‌ترین آنها، تاکید او بر کژکارکردها، تمیز او بین کارکردهای آشکار و پنهان، مفهوم بدیل‌های کارکردی او و فهم و درک سازکارهایی بود که کارکردها از طریق آنها محقق می‌شوند. (والاس و ولف ۱۳۹۶: ۹۵-۹۶).

مفهوم کژکارکرد به این موضوع اشاره دارد که همانطور که ساختارها یا نهادها می‌توانند در نگهداری بخش‌های دیگر نظام اجتماعی سهیم باشند، همچنین می‌توانند پیامدهای منفی برای آن داشته باشند. (ریتزر ۱۳۹۲: ۱۵۷). علاوه بر این هر ساختار یا نهادی لازم نیست به طور کلی کارکردی یا کژکارکردی باشد، بلکه به جای آن ممکن است برای برخی از افراد و گروه‌ها کارکردی و برای برخی دیگر کژکارکردی باشد. مرتن همچنین بین کارکرد آشکار و پنهان تمایز قایل می‌شود. کارکردهای آشکار یعنی پیامدهایی که افراد مشاهده می‌کنند؛ کارکردهای پنهان،

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۴۳

پیامدهایی است که نه بازشناخته می‌شوند و نه عمدی‌اند. (والاس و ولف ۱۳۹۶: ۹۸ و ۱۰۲) وی با مفهوم بدیل‌های کارکردی، به صراحت این ایده را رد کرد که نهادهای موجود چیزهای ضروری و به طور ضمنی خوب هستند. او بر این امر تاکید کرد که نهادهای ویژه و معین تنها نهادهایی نیستند که می‌توانند این کارکردها را محقق سازند؛ بنابراین هیچ ساختار اجتماعی معینی، تافته جدا بافته نیست. بر عکس، گستره وسیعی از بدیل‌های کارکردی یا جانشین‌ها می‌توانند همین وظیفه را انجام دهند. (والاس و ولف ۱۳۹۶: ۱۰۳-۱۰۴).

۴. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان یک نهاد فرهنگی

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با مدیریت لیلی امیرارجمند، از دوستان صمیمی فرح پهلوی، در ۲۳ آذر ۱۳۴۴ تحت نظارت فرح و زیر نظر دفتر او تاسیس شد. (حکمت و سیاست ۱۳۹۳: ۷۷؛ ساکما ۴۵۴۹۳-۲۹۷؛ مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۱، ج ۲۸۹، ۲۱/۷/۱۳۴۵: ۲۹۰). ایده تاسیس کانون توسط یکی از اساتید خانم لیلی امیرارجمند در آمریکا به نام پرفسور مری گیور در دانشگاه راتگرز زده شد. (بازخوانی پرونده تاسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان [youtube.com/watch](https://www.youtube.com/watch)) هرچند در ابتدای کار او هم فکر نمی‌کرد که تاسیس اولین کتابخانه به تشکیل کانون بینجامد. (گفتگوی ویژه رسانه افق ایران و تلویزیون اندیشه با فرح پهلوی [youtube.com/watch](https://www.youtube.com/watch)) البته احسان یارشاطر مدعی است که از این ایده حمایت کرده و نام کانون را او پیشنهاد و آیین نامه داخلی برای آن تهیه کرده است. (چرخچی، ۱۳۹۶: ۹؛ میرزایی ۱۳۹۹: ۱۷۵) علاوه بر تاسیس کتابخانه، به تدریج اهداف دیگری هم برای کانون در نظر گرفته شد. پاسخگویی به نیازهای فکری و هنری و ایجاد نیازهای جدید در اندیشه نسل نو، به خاطر عدم پاسخگویی به این نیازها از سوی آموزش و پرورش و پُر کردن اوقات فراغت آنها باعث شد تا این نهاد شکل بگیرد. (ارشدی ۱۳۹۶: ۸۲)

کانون زیر مجموعه دفتر فرح فعالیت می‌کرد. مدت زمانی که برای فعالیت کانون در نظر گرفته شده بود نامحدود و مرکز اصلی آن در تهران قرار داشت. در ذیل ماده چهارم اساسنامه آمده بود که «کانون موسسه‌ای است خیریه و غیرانتفاعی و غیربازرگانی و دارای شخصیت حقوقی» (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۲، ص ۲) نفوذ فرح پهلوی بر این نهاد سبب شد تا هیئت امنای کانون از کارگزاران حکومتی انتخاب گردند. آنها با دستور فرح پهلوی بدین سمت منصوب می‌شدند. اسامی آنها عبارتند بودند از: وزیر دربار شاهنشاهی، وزیر فرهنگ و هنر، (کابینه حسنعلی منصور به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۴: ۳/ ۱۵۶) وزیر آموزش و پرورش،

وزیر کشور، مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران، مدیرکل بانک ملی ایران، مدیر روزنامه کیهان، مدیر روزنامه اطلاعات، (مسعودی‌ها به روایت اسناد ساواک ۱۳۹۲: ۴۳۴) مدیرعامل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، رئیس دفتر مخصوص فرح پهلوی، مدیرعامل جمعیت حمایت کودکان، مدیرعامل شرکت سهامی افست (چاپخانه ۲۵ شهریور)، (اطلاعات، ش ۱۲۱۵۸، ۱۳۴۵/۹/۲۴: ۱۹۱) رئیس موسسه انتشارات فرانکلین ایران (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۲: ۳) و دو نفر از میان کسانی که در امور فرهنگی و تعلیم و تربیت و روانشناسی کودکان صاحب تجربه باشند. هیات مدیره از ۵ نفر تشکیل می‌شد که با پیشنهاد هیات امناء و تصویب ریاست عالیہ کانون (فرح پهلوی) به مدت دو سال انتخاب می‌شد.

در ماده پنجم، درباره هدف کانون آمده بود که «پرورش فکری و ذوقی و اندیشه کودکان و نوجوانان و تقویت فضایل اخلاقی و توسعه معلومات آنان از طریق مواد خواندنی و وسایل سمعی و بصری.» (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۲ ص ۲) چنانچه در یکی از اسناد ساواک هدف از تشکیل کانون؛ بالا بردن سطح فرهنگ کودکان و یاد دادن روش درست زندگی به آنها، پُر کردن اوقات فراغت بچه‌ها و نوجوانان، مبرا بودن از آلودگی‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی، افزایش روح همکاری و تعاون در بین فرزندان ایران و آرام کردن عواطف تند و سرکش نوجوان‌ها یاد شده است. (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵ ص ۲۳۱؛ زنان دربار به روایت اسناد ساواک، لیلی امیرارجمند ۱۳۸۳: ۱۳۵ و ۱۳۶) البته فرح پهلوی «قبول آسان‌تر افکار جدید و پی بردن به مفهوم واقعی اخلاق، ادب و قبول مسئولیت‌ها و سرانجام ورود به مرحله تجدید» را هدف تاسیس کانون دانسته است. (کهن دیارا ۱۳۸۸: ۱۴۲)

برای برآورده شدن این اهداف یکی از مهمترین اقدامات کانون، ایجاد کتابخانه‌های کودک و انتشار کتاب بود. چرا که با تاسیس کتابخانه‌های کودک، آنچه بیش از پیش مورد نیاز بود، پُر کردن کتابخانه با کتاب‌های مناسب و ویژه‌ی کودک و نوجوان بود. تالیف و انتشار کتاب کودک پیش از این وضعیت خوبی نداشت. در سال ۱۳۴۱ نزدیک به ۶۰ عنوان کتاب کودک با تیراژ دو هزار نسخه در کشور منتشر شده بود. این تعداد در سال ۱۳۴۲ به دو برابر رسید. هرچند این افزایش دو برابری با شمار خوانندگان کودک هنوز فاصله زیادی داشت. در اولین سمینار شورای کتاب کودک در سال ۱۳۴۲ ظرفیت بازار کتاب‌های کودک و نوجوان با در نظر گرفتن حداقل یک کتاب برای یک خانواده که دارای سه کودک بود و در نظر گرفتن جمعیت سه میلیونی نوآموزان و دانش آموزان، حداقل یک میلیون کتاب اعلام شد. (ماهنامه شورای کتاب کودک، س اول، ش ۶: ۱۳-۱۴) در این شرایط سازمان انتشارات کانون در

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۴۵

اسفندماه ۱۳۴۵ تاسیس گردید. (گزارش سالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۵۲۸: ۹) برای این منظور سازمان انتشارات کانون قرار بود «هم نیاز مطالعه کننده را برآورد و هم ناشران دیگر را در یافتن بینشی عمیق درخور نیازهای اساسی جامعه امروز یآوری کند.» (همان) همچنین سازمان می‌بایست «در زمینه‌های داستان‌های فولکلوریک ایرانی و قصه‌های آموزشی و هنری و کتاب‌های علمی و ادبی بهترین نوشته‌ها را گردآورد و به چاپ و نشر آنها مبادرت نماید.» (همان: ۹-۱۰) علاوه بر این، کتاب‌های موجود به لحاظ شکلی و محتوایی از کیفیت چندانی برخوردار نبودند و نمی‌توانستند ذوق مطالعه را در کودکان و نوجوانان برانگیزند. در نتیجه انتخاب موضوع مناسب، محتوای مفاهیم استفاده شده، زبان، انتخاب تکنیک نقاشی، صفحه‌آرایی، چاپ و صحافی، قیمت و... برخی از شاخص‌هایی بود که انتشارات کانون به آنها توجه کرد. (آیندگان، ش ۷۹، ۱۳۴۶/۱۲/۳۰: ۱۵) دعوت از نویسندگانی چون غلامحسین ساعدی، محمود اعتمادزاده (به آذین)، سیاوش کسرای، نیمایوشیج، ثمین باغچه‌بان و نقاشان و طراحان به نامی چون فرشید مثقالی و بهمن دادخواه کتاب‌های کانون را در زمره کتاب‌های پُرخواننده کودکان و نوجوانان قرار داد. کانون علاوه بر کتب تالیفی، با کمک محمد قاضی، لیلی گلستان و دیگر مترجمین، رمان‌های مطرح دنیا را به فارسی ترجمه می‌کرد. (ارشدی ۱۳۹۶: ۸۵). بهترین نویسندگان و مترجمان و تصویرپردازان کشور در کانون مشغول فعالیت شدند. (قاضی ۱۳۷۱: ۴۱۱) انتشارات کانون در سال ۱۳۵۴، بیست کتاب جدید منتشر کرد. و ۱۴ کتاب تجدید چاپ شده با تیراژی معادل ۲۵۶۰۰۰ نسخه منتشر شد. در سال ۱۳۵۵ سیزده کتاب جدید منتشر و حدود ۱۵ کتاب هم تجدید چاپ گردید. در این سال به مناسبت راه‌اندازی کتابخانه کودک در کشور اردن که به کمک کانون تاسیس شد، برای اولین بار تعداد ۴ کتاب به عربی ترجمه و چاپ شد. (کارنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره دهم، ش ۱، ۱۳۵۱: ۶) سال ۱۳۵۶ سال پُرفعالیتی برای سازمان انتشارات کانون بود. در این سال سازمان با ۲۳ کتاب جدید در ۳۲۰ هزار نسخه، ۵۳ عنوان کتاب تجدید چاپ شده در ۵۳۰ هزار نسخه و تهیه ۱۲ شماره از نشریه کارنامه به رکورد تازه‌ای دست یافت. (کارنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره ۱۱، ش ۱، ۱۳۵۷: ۳). علاوه بر این، کتاب‌های کانون توانست توجه مخاطبان داخلی جلب نماید، به طوری که برخی کتاب‌ها به چاپ‌های پنجم و ششم رسیدند و در هر نوبت چاپ نیز کم‌ترین تیراژ ده هزار جلد بود. این نحوه ارائه کتاب کودک به هیچ وجه در ایران سابقه نداشت و کانون برای نخستین بار اهمیت صفحه‌آرایی، تصویرگری، چاپ و قطع مناسب را با الگوهای محلی به

ناشران ایرانی آموزش داد. تاثیر کتاب‌های کانون در تولیدات سایر ناشران چنان بود که تا مدت‌ها قطع خشتی کتاب‌های کودکان به «قطع کانونی» شهرت داشت. (شریفی ۱۳۷۷: ۳۳؛ بزرگیان، ۱۳۹۳: الف/ ۱۰۳؛ فولادوند ۱۳۸۵: ۲/ ۱۳۲۱)

به لحاظ محتوایی، کتابهای کانون دربردارنده مجموعه‌هایی چون قصه‌های ایرانی، فرهنگ اسلامی، زندگی‌نامه‌ها، هنر ایرانی، دانش و داستان‌های بلند بود. البته انتشارات کانون در راستای حمایت از سیاست‌های حکومت پهلوی و نهاد سلطنت هم گام برداشت. دو کتاب «پیمان و پیوند» و «درخت سایه گستر»، دقیقاً در این راستا تالیف شد. پیام اصلی کتاب «پیمان و پیوند»، اصول انقلاب سفید بود که در قالب قصه برای کودکان و نوجوانان مطرح شده بود. در این کتاب آمده است که شاه با صدور فرمان انقلاب سفید، رفاه و آسایش را برای مملکت به‌ارمغان آورد و کشور را به دروازه‌های بزرگ هدایت کرد. در کتاب «درخت سایه گستر» خاندان پهلوی بسان درختی پربار و مهربان ترسیم شده که قبل از او سرزمین ایران خراب، وابسته به بیگانه و استبداد بود. کتاب روایت زندگی رضاشاه از تولد او در روستای آلاشت تا به قدرت رسیدن و پادشاهی او است. در این کتاب رضاشاه مردی بلند قامت، سرشار از غیرت و دلیری، باهوش، پرتوان و میهن پرست معرفی شده است. در ادامه هم زندگی محمدرضاشاه و شرحی مختصری از انقلاب سفید و اصول شش‌گانه آمده است. هرچند به گفته لیلی امیرارجمند، مدیرعامل کانون، این دو کتاب با استقبال روبه‌رو نشد. (مصاحبه با لیلی امیرارجمند، ۱۳۹۴) علاوه بر این، در کتاب «کوروش شاه» شرح تاریخی زندگی کوروش هخامنشی از کودکی تا زمان مرگ او بازگو شده بود. در این کتاب بر وجود فره ایزدی در کالبد شاهان بزرگ ایران تاکید شده و کوشیده شده است تا شاه را به عنوان فردی عدالت‌پرور و سیاستمدار معرفی کند.

کتاب‌خانه‌های کانون بی‌شک یکی از مهمترین ارکان کانون و جزو موفق‌ترین و موثرترین واحدهای کانون در راه تحقق اهداف این نهاد فرهنگی و جهت پرورش ذوق و استعداد کودکان و نوجوانان محسوب می‌شدند. «فیلم، تئاتر، انیمیشن و فعالیت‌های دیگر عناصر مثبتی بودند که بعدها به کانون اضافه شدند. اما در واقع نکته اساسی، همان کتابخانه و جایی بود که بچه‌ها بتوانند در آن با کتاب و کتابخوانی آشنا بشوند.» (گفتگوی لیلی امیرارجمند با بی‌بی‌سی فارسی ۱۳۹۴) لذا در کتابخانه مرجع کانون «بهترین و مهم‌ترین کتاب‌هایی که در سراسر جهان در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان و برای آنها نوشته شده بود در این کتابخانه گردآوری شده بود تا نویسنده‌ها و طراحان کانون بتوانند از آنها الهام بگیرند.» (آرشیو کانون

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۴۷

پرورش فکری کودکان و نوجوانان: ۶) این نظر توسط غلامرضا امامی از نویسندگان کتابهای کانون که به کتابخانه‌های کانون رفت و آمد داشت هم مورد تایید قرار گرفته است. (همان)

کتابخانه‌های کودک با پر کردن اوقات فراغت دانش آموزان در تابستان به ویژه کودکان و نوجوانان در جنوبی‌ترین مناطق شهر تهران نقش مهمی در تعلیم و تربیت آنها ایفا کرد. (اطلاعات، ش ۱۲۳۶۷، ۱۳۴۶/۶/۵: ۱۱) فرشید مثقالی ارزشمندترین کار کانون را کتابخانه‌های آن می‌داند که کارهای فرهنگی مختلفی در آن انجام می‌شد و بیشتر کسانی که بعدها فیلم‌ساز، موسیقیدان، گرافیست و ... بودند، کارشان را از کتابخانه‌های کانون آغاز کردند. (مثقالی ۱۳۸۱: ۴۹)

کتابخانه‌ها تنها محلی برای کتابخوانی و امانت گرفتن کتاب نبود، بلکه در اغلب آنها فعالیت‌هایی مانند داستان سرائی، معرفی کتاب، معرفی شخصیت‌های علمی و هنری ایران و جهان، معرفی سرزمین‌ها و ملتها، نمایش فیلم، اجرای تئاتر و موسیقی، شطرنج و بحث آزاد انجام می‌شد. (Ardehali, 2014: 2) تنوع این فعالیت‌ها باعث شده بود تا کتابخانه‌های کانون به مراکزی تبدیل گردد که حسن مسئولیت‌پذیری و آموختن آداب همزیستی مسالمت‌آمیز را به اعضایش که کودکان و نوجوانان بودند، منتقل سازد.

۵. کانون و رژیم پهلوی

در دوره پهلوی دوم همه سازمانها و نهادهای فرهنگی هم زیر نظر و کنترل سازمان امنیت کشور (ساواک) قرار داشتند. کانون پرورش فکری هم از این امر مستثنی نبود. ساواک همواره نیروهای مخفی خود را در کانون داشت و از طریق آنها رویدادهای کانون را تحت مراقبت قرار می‌داد. اداره کل سوم ساواک در این زمینه نقش مستقیم داشت. ثابتی رئیس آن اداره یکی از اعضاء ثابت مدعو در مراسم‌های کانون بود. (قانع‌راد، ۱۳۹۱: ۲۹۱) ضمن این که کسانی که می‌خواستند در کانون مشغول به کار شوند، ابتدا می‌بایست توسط ساواک مورد تایید قرار می‌گرفتند. (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۳۷ و ۳۹) برطبق اسناد موجود، در یک مورد اداره کل سوم ساواک با استخدام ۷۷ نفر در کانون مخالفت کرد. (همان: ۲۳-۲۵)

ساواک همواره نسبت به فعالیت‌های کانون و افرادی که در آن فعالیت داشتند نگاه تردیدآمیز داشت و ادارات مختلف ساواک ماموریت داشتند تا این فعالیت‌ها را زیر نظر داشته باشند. (همان: ۲۱۲) لذا ثابتی ریاست اداره کل سوم در یکی از گزارش‌هایش اعلام کرد که کانون «توسط افرادی اداره می‌شود که بعضی از آنها صلاحیت خدمتگزاری در این کانون را ندارند» ضمن این که «در استخدام کارمند توجه لازم به سوابق داوطلبان نمی‌شود». (همان)

حساسیت نیروهای امنیتی تنها درباره کارکنان و مسائل داخلی کانون و کتابخانه‌های آن خلاصه نمی‌شد، بلکه هر گونه ارتباط دیگر سازمان‌های داخلی و یا خارجی با کانون که در قالب نامه، تلفن، ارسال بسته پستی و... زیر نظر ساواک قرار داشت و در سال‌های متوالی بیوگرافی کارکنان کانون برای بررسی بیشتر به ساواک ارسال می‌شد. (همان: ۲۸۵) آنچه این بدبینی را تا حدودی کاهش می‌داد ارتباط مدیرعامل کانون با نهاد سلطنت و با فرح پهلوی بود. گاه تماس تلفنی امیرارجمند، کارکنان کانون که در دام نیروهای امنیتی گرفتار بودند را نجات می‌داد. (بزرگیان ۱۳۹۳: ب/ ۱۰۶ و ۱۰۷؛ میرزایی ۱۳۹۹: ۱۱۴ و ۱۱۵). در واقع او پلی بین حکومت و مخالفین چپ در کانون بود. (Milani, 2008: 838) این شیوه در انتشار کتاب‌های کانون هم جریان داشت. آوردن جملاتی که رنگ و بوی اسلامی و یا مارکسیستی داشت باعث می‌شد که نویسنده بازداشت و زندانی گردد، غلامرضا امامی نویسنده کتاب «فرزند زمان خویشتن باش» چون در مقدمه کتابش به نقل از امام علی (ع) نوشته بود که «افتخار به همت بلند است نه به استخوان پوسیده نیاکان» (بزرگیان ۱۳۹۳: ج/ ۱۱۰) مورد مواخذه قرار گرفت.

با وجود نظارت شدید ساواک، اسناد و شواهد موجود بیانگر این است که در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، برخی از کارکنان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به وضعیت جامعه معترض و آن را علناً و یا مخفیانه ابراز می‌کردند. اعتراضی که حتی در برخی مواقع به اهانت به شخص اول مملکت هم منجر می‌شد. به عنوان نمونه خواهر آذر دخت منصور که در کتاب‌خانه شماره ۱۴ مشغول بود، از جمله افرادی بود که به صورت علنی به شاه اهانت می‌کرد و همین مساله باعث انتقال او از کتابخانه شماره ۷ کانون شد. (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۱۲۴ و ۱۲۵) در یکی دیگر از گزارش‌های ساواک تهران درباره وضعیت کتابخانه‌های کانون در آبان ماه ۱۳۵۳ به صراحت آمده که برخی از کتابداران کانون از جمله فاطمه محتشمی، مهتاب اکبری، آذر دخت منصور، مهوش منصور، کودکان عضو کتابخانه را تشویق به مطالعه کتاب‌هایی می‌کنند که در زمره کتاب‌های مضره و علیه مصالح مملکتی قرار داشت. (همان: ۱۲۸) با نزدیک شدن به سال‌های پایانی حکومت پهلوی اعتراض‌ها بیشتر شد. در سال ۱۳۵۶ غلامعلی مهبان یکی از کارمندان کانون در شهر ری به طرفداری از آیت الله خمینی برخاست. (همان: ۲۹) در آبان ۱۳۵۶ برگه‌هایی از بیانیه وکلای دادگستری در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان توزیع شد. در این بیانیه از کلیه حقوق‌دانان دعوت شده بود که نهضت را یاری دهند. (مراسان، شماره بازیابی ۳۱۶: ۱۳ و ۱۴) در روزهای هجدهم و

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۴۹

نوزدهم مهرماه ۱۳۵۷ کارکنان کانون در تهران اعتصاب کردند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۲: ۱۳/۲۲ و ۲۷۸) در زاهدان نیز موج اعتصاب‌ها به کارکنان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رسید و آنها از ۲۵ مهرماه دست از کار کشیدند. (رستاخیز، ش ۱۰۳۹: ۱ و ۴ و ۱۷؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۴/۴۷ و ۱۱۱) اعتصاب‌ها به دیگر شعبه‌های کانون در شهرهای مختلف هم سرایت کرد. کارکنان کتابخانه کانون در رشت دست از کار کشیدند و به صف اعتصاب کنندگان پیوستند. (کیهان، ش ۱۰۵۹۰، ۱۳۵۷/۷/۲۷: ۲) در تهران هم کارکنان ساختمان مرکزی کانون در دیماه ۱۳۵۷ از مطبوعات که در مقابل سانسور و وجود اختناق رژیم اعتصاب کرده بودند، حمایت کردند. آنها با صدور بیانیه‌ای خواستار آزادی فوری و بدون شرط کلیه زندانیان سیاسی به ویژه نویسندگان و محمود اعتمادزاده (به آذین) شدند. از دیگر خواسته‌های آنها عزل مدیریت کانون و رسیدگی به سوء استفاده‌های مالی بود. (همان، ش ۱۰۸۹، ۱۳۵۷/۷/۲۶: ۴)

این‌ها تنها اندک نمونه‌هایی بود که نشان می‌دهد در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب، فضای سیاسی انقلابی بر کانون حاکم شد و برون داد آن در فعالیت‌های کانون بروز و ظهور کرد. نویسندگان ادبیات داستانی هرچند کتابها را برای کودک می‌نوشتند اما مفاهیم اعتراض و انتقاد به عملکرد حکومت را در قالب زبان حیوانات بیان می‌کردند. منصور خلج از پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان که در کانون قبل از انقلاب فعالیت می‌کرد در این باره چنین بیان می‌کند:

ادبیات آن موقع پُر از تمثیل، استعاره و نمادهایی بود که همه کم و بیش مثل این که آن را می‌فهمیدند. معمولاً نه شیرها شیر بودند، نه سنجاب‌ها سنجاب بودند، همه اینها نمادهایی بودند از انسان‌هایی که بعدها ما تطبیق می‌دادیم. حتی سنگ و صخره هم نماد چیزهایی بود... شیر، گرگ سمبل زورگویی و آن آدم بهره‌کشی بود که همواره حیوانات کوچک با همدیگر سعی می‌کردند علیه او قیام کنند یا او را به قول معروف به زباله دان تاریخ بیندازند. (ساکما، آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه با منصور خلج، ج ۲، ۱۳۹۷/۸/۶)

ظلم ستیزی از جمله مفاهیم به کار رفته در این کتابها بود. محسن بهشتی سرشت درباره محتوای کتاب ماهی سیاه کوچولو که در ایام جوانی آن را در کتابخانه کانون در نازی‌آباد مطالعه کرده چنین بیان می‌کند: «صمد بهرنگی دارای گرایشات چپ بود، ولی کتاب داستانش به گونه‌ای نوشته شده بود که کسی متوجه نمی‌شد که او قصد تبلیغ مارکسیسم را دارد.

بهرنگی حقیقتاً طرفدار طبقات محروم بود...» (خزائی ۱۴۰۰: ۹۴ و ۹۵؛ مصاحبه با دکتر محسن بهشتی سرشت، مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۰)

به فراخور فضای انقلابی در کشور دیگر تولیدات و محتواهای کانون هم تغییر کرد. ابوالفضل همتی آهویی که در سال ۱۳۵۶ وارد کانون شد و در واحد نقاشی با پرویز کلاتری همکاری شد درباره این موضوع چنین می‌گوید: «انقلاب که شد حال و هوای بچه‌ها هم تغییر کرد. بچه‌ها به جای گل و بلبل حالا تظاهرات می‌کشیدند، سرباز و تانک و تفنگ، مثلاً نقاشی‌هایی که از آبادان می‌رسید پُر بود از تصویرهایی از سینما رکس» (آرشو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مصاحبه با ابوالفضل همتی آهویی، مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۳: ۵). احمدرضا احمدی نویسنده کتاب «من حرفی دارم که فقط بچه‌ها باور می‌کنند سعی کرد» (با رنگ‌ها و اشکال افکار کودکان را به ناکامی و انقلاب آشنا سازد). (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۲۶۸ و ۲۶۹) در نتیجه ساواک از او به عنوان «دلچک کانون» یاد کرد که در قالب شوخی، حرفهای خلاف مصالح مملکتی می‌زند. (همان: ۴۴) در همین رابطه تحلیل کارشناس اداره ساواک درباره فعالیت‌های کانون بسیار حائز اهمیت است.

با توجه به این که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان موسسه‌ای است بسیار مفید و وجودش مثمرتر برای کودکان و نوجوانان می‌باشد، ولی متأسفانه افرادی در آن کانون به خدمت گرفته شده‌اند که مفهوم خدمت واقعی برای کودکان و نوجوانان مملکت را درک نکرده و تنها برای حفظ منافع شخصی خود و یا پیشرفت اهداف خود فعالیت می‌کنند. ضمناً کودکانی که به کتابخانه‌های کانون مراجعه می‌کنند سن آنان ۱۶ الی ۱۸ ساله بوده که امکان پذیرش هرگونه مطالبی را دارند که باید خیلی دقت کرد تماس آنها با افرادی که از نظر دستگاه شناخته شده هستند قطع و یا لاقط کم شود، متأسفانه در کانون این موضوع عملی نشده، افرادی به پست‌های حساس گمارده شده‌اند که منفی بوده و در هیچ شرایطی حاضر به قبول حقیقت نمی‌باشند به ویژه افرادی نظیر نیونابت و میرزائی که مدیران کتابخانه‌های مناطق ۱ و ۲ هستند که در راس کتابخانه‌های تهران و شهرستانها گمارده شده‌اند که کار کردن این گونه افراد در راس مشاغل به مصلحت نبوده، استدعا می‌کرد توجه خاصی در این زمینه به عمل آید. (همان: ۴۱ و ۴۲)

۶. کانون و جامعه ایران در بحبوحه انقلاب اسلامی

نگاهی به مراکز ایجاد کتابخانه‌های تهران و اغلب شهرها بیانگر این نکته است که بیشتر این کتابخانه‌ها در مناطق جنوبی شهرها و فضاهای عمومی از جمله مدارس و پارکها احداث شد. امامزاده حسن، بریانک، خیابان شوش، میدان راه آهن، نازی آباد، میدان شوش، خیابان شیر و خورشید، خیابان مولوی تنها نمونه‌ای از این مراکز در تهران بودند (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۲۲۹؛ آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی ۸۲۸۸۳) در شهرستان‌ها هم ترتیب به همین منوال بود. (مراسان، شماره بازیابی ۸۴۷۶۵: ۱۸۹-۱۹۳) علت انتخاب مکان‌های فوق این بود که بیشترین جمعیت کودک و نوجوان در این نواحی زندگی می‌کردند و از سوی دیگر به علت فقر و تنگدستی خانواده‌های آنها اغلب اوقات فراغت خود را در کوچه و خیابان سپری می‌کردند.

بیشتر در مدرسی که بچه‌هایی که توانایی مالی به آن حد نداشتند که پدر و مادر برایشان کتاب بخرند و اصولاً آن موقع کتاب زیادی هم برای بچه‌ها در ایران نبود. برای آنها باید کار می‌کردیم. در نتیجه با همکاری هما زاهدی که آن موقع وکیل مجلس بودند و دکتر احسان یارشاطر و یکی هم خانم آذر شهابی که از وزارت آموزش و پرورش گرفتیمش، سوار ماشین می‌شدیم، یک مقدار کتاب خریده بودیم می‌گذاشتیم عقب ماشین، می‌رفتیم مدارس جنوب شهر که به بچه‌ها کتاب بدهیم. (مصاحبه رضا گوهرزاد با لیلی امیرارجمند www.andisheh.tv) کتابخانه‌ها تنها برای کودکان نبود، چرا که آنها محتوای کتاب‌های امانت گرفته شده را به خانه و والدینشان هم منتقل می‌کردند. خب کانون یک مرکزی بود برای آموزش فکری بچه‌ها... آموزش جوانها، باید فکرشان باز باشد، باید ببینند در دنیا چه می‌گذرد. کانون برای بچه‌ها تنها نبود، در هنگام بازدید از کتابخانه‌ها با بچه‌ها که صحبت می‌کردیم، می‌گفتند کتابها را که می‌بریم به خانه‌ها برای پدر و مادرهایمان هم که سواد ندارند هم می‌خوانیم. (گفتگوی ویژه رسانه افق ایران و تلویزیون اندیشه با فرح پهلوی [youtube.com/watch](https://www.youtube.com/watch))

این موضوع درباره سینما و فیلم هم صدق می‌کرد. همزمان با برگزاری فستیوال فیلم کودکان، تعدادی زیادی از کودکان مناطق جنوبی تهران با هزینه کانون و با اتوبوس به سینماهای ویژه نمایش فیلم کودکان برده می‌شدند. (خدایی، بی‌تا، مصاحبه با لیلی امیرارجمند، <https://www.hashure.com>) حسن حسندوست درباره فعالیت‌های کتابخانه‌های کانون چنین بیان می‌کند: «... برای من که بچه‌ای بودم که در محیط فقر بزرگ شده بودم در جنوب شهر و

در کوچه بازی می‌کردیم، سر و وضع مناسبی نداشتم. این فضا خیلی عجیب بود.» (همان، مصاحبه با حسن حسندوست، <https://www.hashure.com>) دسترسی این کودکان و نوجوانان به کتابخانه‌ها و مطالعه کتاب باعث شد تا شخصیت آنها رشد پیدا کند و آنها با مسائل کشور و حتی مسائلی که در جهان پیرامون آنها می‌گذرد آشنا گردند. دکتر محسن بهشتی سرشت از کسانی که خود در آن ایام به کتابخانه‌های کانون رفت و آمد داشته است، در خاطراتش چنین بیان کرده است:

ما در قالب هیئت‌های مذهبی تلاش می‌کردیم که در مساجد نازی‌آباد نفوذ پیدا کنیم تا در آنجا بتوانیم کتابخانه‌ای تاسیس کنیم و از طریق کتاب و جذب دانش‌آموزان از سنین کلاس اول که خواندن و نوشتن بلد بودند، فرهنگ سیاسی را گسترش بدهیم. (خزائی ۱۴۰۰: ۹۳)

بر طبق گزارش عملکرد کانون در سال ۱۳۵۶، تعداد کتاب‌های امانتی در مجموعه کتابخانه‌های کانون در سراسر کشور بالغ بر ۴/۴۰۲/۲۳۱، و تعداد مطالعه کنندگان ۶/۲۴۴/۴۰۳ بوده است. (گزارش سالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۲۵۳۶: ۱۱).

در مجموع می‌توان گفت که کانون به طور غیرمستقیم در آگاهی بخشی و دادن بینش سیاسی به نوجوانان و جوانانی که به روش‌های مختلف با آن مرتبط بودند نقش داشته است. این آگاهی بخشی از طریق تولیدات فرهنگی کانون از جمله کتاب، تئاتر، فیلم، انیمیشن و... انجام شده است. این مساله را افرادی که سالیان متمادی در کانون مشغول به فعالیت بودند تایید کرده‌اند. علی میرزایی که مدیریت کتابخانه‌ها را برای مدتی در کانون برعهده داشته در کتاب خاطرات خود این طور بیان کرده است:

هدف کانون، پرورش چریک نبود. حرف کانون این بود که اعضاء کتابخانه‌های کانون باید این قدر کتاب بخوانند؛ فیلم ببینند، شعر بخوانند، نقاشی کار کنند، بحث کنند که فکر و ذهنشان پرورش پیدا کند، جاهل بار نیابند، توسری خور نباشند، اگر این کاری که کانون می‌کرد نامش هدایت سیاسی است، بله، ما این کار را می‌کردیم. اما اگر کسی بگوید ما هدایت سیاسی به سوی هدف ویژه یا در خدمت گروه و دسته و ایدئولوژی خاص می‌کردیم، بی‌خود می‌گوید. (میرزایی ۱۳۹۳: ۱۲۲)

۷. نتیجه‌گیری

به عنوان یک نهاد فرهنگی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در طول دوره فعالیت خود به علت بهره جستن از بهترین نویسندگان، مترجمین و مصوران کشور و همچنین به لحاظ شکل و محتوای آثار تولیدی خود گوی سبقت را از دیگر ناشرین ربود و با لقب «قطع کانونی» مصداق کتاب مناسب برای کودکان و نوجوانان تلقی شد. کتاب‌های منتشر شده از سوی کانون در نمایشگاه‌ها و مسابقات بین‌المللی مورد استقبال قرار گرفت و در حوزه‌های محتوایی و شکلی جوایز زیادی را کسب کرد. حتی برخی از این کتابها در قالب قرارداد با انتشارات مهم دیگر کشورها به زبان‌های خارجی ترجمه و منتشر شد. انتشارات کانون با سامان بخشی به حوزه کتاب کودکان و نوجوانان، چاپ آثار تالیفی نویسندگان ایرانی را بر ترجمه آثار خارجی اولویت بخشید و توانست بهترین نویسندگان و تصویرگران کتاب کودک را گرد هم آورد.

سیاستگذاران فرهنگی و حوزه آموزش در دوره پهلوی دوم با اعتقاد به این که بهترین زمان ممکن برای نهادینه سازی ارزشها و هنجارها، دوران کودکی است سعی کردند تا در قالب محتوای کتاب‌ها مفاهیم مورد نظر را در کتاب‌های درسی و غیر درسی بگنجانند. ارزش نهادن به فرهنگ ایران کهن و باستان، میهن پرستی، حمایت از نهاد سلطنت، شاهدوستی، معرفی دیگر سرزمین‌ها اعم از اروپا، افریقا و آسیا و فرهنگ و سنت‌های بومی آنها از جمله موضوعات و مفاهیمی بودند که به اشکال مختلف در کتب درسی و البته مهمتر در کتب غیر درسی گنجانده شد. هرچند کانون از انتشار کتب مذهبی هم غافل نبود و شش کتاب در این حوزه منتشر کرد. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ادبیات کودک را بسیار غنا بخشید و یا تولید کتاب در حوزه‌های مختلف توانست کودکان و نوجوانان را به حوزه کتاب و کتابخوانی علاقمند سازد. به تدریج فعالیت‌های فرهنگی کانون گسترش یافت و وارد دیگر عرصه‌های فرهنگی چون سینما، تئاتر، انیمیشن، گرافیک و... شد. تاسیس مرکز فیلم و سینمایی کانون و موفقیت‌های نسبی در عرصه‌های بین‌المللی باعث شد تا کوشش‌های بیشتری جهت جذب هنرمندان و فیلم‌سازان برتر کشور انجام و فیلم‌هایی با محتوای غنی تولید و عرضه گردد.

اما در ارتباط با نظام پهلوی، هر چند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همچون دیگر نهادهای فرهنگی در دوره پهلوی دوم، وظیفه مشروعیت بخشی به سلطنت و تداوم آن را با نهادینه ساختن مولفه‌های فرهنگی در حوزه آموزش و تعلیم و تربیت کودکان در قالب آموزش پنهان دنبال می‌کرد، اما آنچه در عمل اتفاق افتاد غیر از این بود و کانون نتوانست به اهداف پنهان و مطلوب مورد نظر سیاستگذاران حکومت کمک چندانی بکند. عوامل متعددی در این

مساله دخالت داشت. یکی از علت‌ها فعالیت گروه‌های چپ در کانون بود. اغلب روشنفکران این دهه دارای گرایش‌های چپ بودند، چنانکه خود فرح و لیلی امیر ارجمند هم به آن تمایل داشتند. روشنفکری در این دهه همچون اولین نسل روشنفکران به پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ و تمدن غرب اعتقاد چندانی نداشت. احمد شاملو از جمله این افراد است که ضمن این که از منتقدین سرسخت استالین بود، اما در عین حال همچنان معتقد بود که سوسیالیسم می‌تواند برای برآورده کردن امیدها و آرزوها مفید باشد. غیر از شاملو، نویسندگان و هنرمندان دیگری از جمله سیاوش کسرای، محمود دولت‌آبادی، غلامحسین ساعدی، هوشنگ ابتهاج و... هم بودند که اینگونه می‌اندیشیدند، بسیاری از روشنفکران چپ‌گرایی که در کانون مشغول بودند اعتقاد داشتند که باید به آداب و سنت‌های بومی اهمیت داد. در نتیجه، رویکرد سازمان انتشارات کانون، توجه به فرهنگ کهن ایرانی بود. در این راستا مجموعه‌ای با عنوان مجموعه‌ی هنرهای ایرانی شامل قلمکاری، زر بافی، قالی بافی، سفالگری، کاشیکاری و... طرح‌ریزی و منتشر شد. همچنین قصه‌های عامیانه و اسطوره‌های ایرانی مورد استقبال قرار گرفت. توجه به سنت‌ها و جغرافیای سرزمینی ایران هم جزو این برنامه‌ها بود. این مفاهیم به اشکال مختلف و در قالب کتاب‌های نقاشی، شعر، داستان و رمان گنجانده می‌شد. به لحاظ موضوعی از مجموع ۱۴۶ عنوان کتاب منتشر شده کانون، حدود ۳۸ درصد را قصه‌های ایرانی، ۱۸ درصد افسانه و اساطیر و ۱۰ درصد را شناخت سرزمین ایران تشکیل می‌داد. غیر از چپ‌گراهای مخالف حکومت که در کانون مشغول بودند، طیف مذهبی شاغل در بخش‌های مختلف کانون نیز مخالف سیاست‌های رژیم بود، در سال‌های پایانی حکومت این طیف توانست با بهره‌گیری از فضای نسبتاً آزاد که در جامعه شروع شده بود، مخالفت خودش را آشکارتر نماید. آنها با سوق دادن کودکان و نوجوانان به مطالعه کتابهایی که از نظر رژیم در زمره کتب مضره و مغایر با مصالح کشور تشیخص داده شده بود، سعی کردند که آنها را با موج انقلابی‌گری و رهبری امام خمینی همراه و همگام سازند. روحیه اعتراضی این طیف گاه به توهین آشکار به شخص محمدرضا شاه و مدیرعامل کانون هم می‌انجامید.

در ارتباط با جامعه ایران، کانون اما ناخواسته و به طور غیر مستقیم در ایجاد نارضایتی‌ها و آگاهی بخشی به قشر عظیمی از کودکان و نوجوانان نقشی مهم ایفا کرد. کانون و کارکنان آن هم‌چون دیگر سازمان‌ها در اواخر سال‌های پایانی حکومت پهلوی به صف انقلابیون پیوستند. اسناد ساواک و شهربانی حکایت از اعتصاب مرکز کانون در تهران و برخی از شهرها دارد. مساله بعدی این است که فعالیت‌های کانون در آگاهی بخشی و دادن بینش سیاسی به نوجوانان

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۵۵

و جوانانی که به روش‌های مختلف با آن مرتبط بودند نقش داشت. این موضوع توسط برخی از کارکنان خود کانون هم تایید شده است. اغلب کتابخانه‌های کودک در مناطق جنوبی شهرها و در مراکز عمومی از جمله پارکها تاسیس شده بود. دسترسی کودکان و نوجوانان به کتابخانه‌ها و مطالعه کتاب باعث شد تا شخصیت آنها رشد پیدا کرده و با مسائل کشور و حتی مسائلی که در جهان پیرامون آنها می‌گذرد آشنا گردند. کتابخانه‌های کانون همراه با دیگر کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌هایی که در مساجد بودند مرکز تجمع جوانان تحول خواه و محل تربیت نیروهای سیاسی شد. ضمن این که نویسندگانی که در کانون مشغول بودند با استفاده از زبان استعاره و در قالب داستان حیوانات سعی داشتند مفاهیم مورد نظر خود را به کودکان و نوجوانان منتقل سازند. برخی از کتاب‌های کانون حاوی مفاهیم ظلم ستیزی بودند.

کتابنامه

کتابها:

- استارک، رادنی (۱۳۹۴)، *جامعه شناسی استارک*، ترجمه نسرین طباطبایی و محمدرضا پورجعفری، تهران: نشر ثالث.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵)، *تفکر نظری در جامعه شناسی*، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- امید، جمال (۱۳۷۴)، *تاریخ سینمای ایران*، ج اول: انتشارات روزنه.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک* (۱۳۷۸)، ج ۴، ۱۳، ۱۴ و ۱۸، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی
- آتویت، ویلیام و تام باتامور، (۱۳۹۲)، *فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بودون، ریمون و فرانسوا بوریکو (۱۳۸۵)، *فرهنگ انتقادی جامعه شناسی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- پیمان و پیوند*، (۲۰۳۵)، ج ۱، تهران: سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- حکمت و سیاست، گفتگو با دکتر سید حسین نصر* (۱۳۹۳)، به کوشش حسین دهباشی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- خزائی، یعقوب (۱۴۰۰)، *از نازی‌آباد تا زندان قصر؛ خاطرات شفاهی دکتر محسن بهشتی سرشت* (۱۳۳۵-۱۳۵۷ش)، تهران: نگارستان اندیشه.

۱۵۶ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- درخت سایه گستر، (۲۰۳۵)، علی اکبر صادقی، تهران: سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
- ریتزر، جورج (۱۳۹۲)، مبانی نظریه جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های آن، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: نشر ثالث.
- زنان دربار به روایت اسناد ساواک، لیلی امیرارجمند، (۱۳۸۳)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- قاضی، محمد (۱۳۷۱)، خاطرات یک مترجم، اصفهان: زنده رود.
- قانع‌راد، عرفان (۱۳۹۱)، در دامگه حادثه، گفتگو با پرویز ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک، لس آنجلس: شرکت کتاب.
- کابینه حسنعلی منصور به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۴)، ج ۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- کهن دیارا، خاطرات فرح پهلوی (۱۳۸۸)، چاپ دوم، فرزاد.
- گزارش سالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۲۵۳۶)، تهران: انتشارات دفتر اطلاعات و روابط عمومی.
- گزارش سالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۲۵۲۸)، تهران: انتشارات دفتر اطلاعات و روابط عمومی.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- مسعودی‌ها به روایت اسناد ساواک (۱۳۹۲) تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۱، ج ۲۱۶، سه شنبه مورخ ۱۳۴۴/۹/۲.
- مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۱، ج ۲۸۹، پنجشنبه مورخ ۱۳۴۵/۷/۲۱.
- مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۲، ج ۱۹، سه شنبه مورخ ۱۳۴۶/۹/۱۸.
- مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۲۲، ج ۲۰، سه شنبه مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۵.
- میرزایی، علی (۱۳۹۹)، یک شاخه در سیاهی جنگل: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷، تهران: نگاره آفتاب.
- والاس، روث ا و الیسن والف (۱۳۹۶)، نظریه‌های معاصر جامعه‌شناسی، گسترش سنت کلاسیک، ترجمه مهدی داودی، تهران: نشر ثالث.

اسناد:

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۵۷

آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، (ساکما) سند شماره ۷۱۳۰۹-۲۹۳. سند شماره ۱۱۸۲۵-۲۹۳. سند شماره ۲۲۹۷-۴۵۴۹۳.

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (مراسان) شماره بازیابی ۸۴۷۶۲، ص ۳؛ شماره بازیابی ۸۴۷۶۵ صفحات ۳۰، ۳۷ و ۳۹، ۲۳-۲۵، ۳۳۰، ۲۹، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۸۹-۱۹۳، ۲۱۲، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۶۹، ۲۶۸؛ شماره بازیابی ۳۱۶، صص ۱۳ و ۱۴؛ شماره بازیابی ۲۰۶۱، ص ۳۲؛ شماره بازیابی ۷۲۶، صص ۱۰۸-۱۱۰؛ شماره بازیابی ۷۲۵، صص ۶۰ و ۶۱؛ شماره بازیابی ۸۰۴۴۰، ص ۳۴

آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی ۸۲۸۸۳

مجلات و نشریات:

روزنامه اطلاعات، سال ۴۵، شماره ۱۳۳۰۳، چهارشنبه مورخ ۱۳۴۹/۷/۱.

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۲۱۵۸، پنجشنبه ۱۳۴۵/۹/۲۴.

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۲۳۶۷، یکشنبه مورخ ۱۳۴۶/۶/۵.

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۲۵۵۵، چهارشنبه مورخ ۱۳۴۷/۱/۲۱.

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۲۷۷، دوشنبه مورخ ۱۳۴۹/۶/۲.

روزنامه آیندگان، شماره ۷۹، چهارشنبه مورخ ۱۳۴۶/۱۲/۳۰.

روزنامه رستاخیز، شماره ۱۰۳۹.

روزنامه کیهان، شماره ۱۰۵۹۰، پنجشنبه مورخ ۱۳۵۷/۷/۲۷.

روزنامه کیهان، شماره ۱۰۸۹، چهارشنبه ۱۳۵۷/۷/۲۶.

فصلنامه پویه، شماره ۶، ۱۳۵۶.

کارنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره ۷، شماره ۹، آذر ۱۳۵۳.

کارنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره ۱۱، شماره اول، فروردین ۱۳۵۷.

کارنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره ۸، شماره ۱۲، اسفندماه ۱۳۵۴.

کارنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دوره دهم، شماره اول، فروردین ۱۳۵۱.

ماهنامه شورای کتاب کودک، س اول، ش ۶، اسفندماه ۱۳۴۲.

مجله آموزش و پرورش، دوره ۳۹، شماره ۸ اردیبهشت ۱۳۴۹.

مجله فرهنگی و هنری آنگاه، ش ۲، بهار ۱۳۹۶.

مقالات:

- ارشدی، کبوتر (۱۳۹۶) «همه تلاشم این بود که مرغک کانون زنده بماند، گفتگو با غلامرضا امامی»، مجله فرهنگی و هنری آنگاه.
- بزرگیان، علی (۱۳۹۳) ج «خاطراتی از پانزده سال حضور در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، گفتگو با غلامرضا امامی»، اندیشه پویا، س ۳.
- بزرگیان، علی (۱۳۹۳) ب «خوش شانسی بزرگ، گفتگو با پرویز کلانتری»، اندیشه پویا، س ۳.
- بزرگیان، علی (۱۳۹۳) الف «غولی که خوابید، روایتی از فراز و فرود کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، اندیشه پویا، سال ۳.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۵۳)، «برنامه ریزی فرهنگی در ایران»، فرهنگ و زندگی، ش ۱۵.
- چرخچی، مرجان (۱۳۹۶) «کانون به روایت ایرانیکا، ترجمه‌ای برگرفته از مدخل کانون دانشنامه ایرانیکا»، مجله فرهنگی و هنری آنگاه، ش ۲.
- رحیمی، فروغ «تاریخچه، ساختار و تشکیلات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» (۱۳۸۷) ماهنامه اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی، س ۲، ش ۷.
- شریفی، سعید (۱۳۷۷)، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۴-۱۳۵۷)»، فصلنامه گفتگو، ش ۹.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۲)، از شورای کتاب کودک تا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۱-۱۳۵۷)، گنجینه اسناد، ش ۵۱ و ۵۲.
- فولادوند، مرجان (۱۳۸۵) «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، دایره المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ج ۲؛ زیر نظر فریبرز خسروی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ ۱، ص ۱۳۲۱.
- مقالی، فرشید «گزارش پانزدهمین نشست نقد آثار تصویری» (۱۳۸۱) کتاب ماه کودک و نوجوان، س ۶، ش ۲.
- پایان نامه‌ها:
- پارسا نژاد، داریوش (۱۳۹۶)، جریان‌های فکری حاکم بر تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با روش تاریخ شفاهی، تهران، دانشکده هنر و معماری دانشگاه علم و فرهنگ.
- احمدی، بتول (۱۳۵۱)، بررسی کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، گروه کتابداری دانشگاه تهران.
- کدیور، منصور (۱۳۶۱-۱۳۶۲)، تحلیل محتوای کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دو مرحله پیش و پس از انقلاب اسلامی، تهران، مجتمع دانشگاهی هنر.

تحلیل و بررسی کارکردهای ... (حسن شمس آبادی و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۵۹

طوفانی اصل، وحید (۱۳۶۹)، مقایسه کمی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره ۶۰های ۱۳۴۵-۱۳۵۷ و ۱۳۵۸-۱۳۶۷، تهران، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.

محمدی، مریم (۱۳۷۹)، بررسی نقش حیوانات در داستان‌های فارسی کودکان منتشره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۵-۱۳۷۸)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شمال.

مصاحبه‌ها:

آرشو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مصاحبه با ابوالفضل همتی آهویی (مسئول واحد گرافیک کانون)، تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۳.

بازخوانی پرونده تاسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، گفتگو مهدی آقازمانی با لیلی امیرارجمند، رسانه افق ایران youtube.com/watch

چشم انداز: گفتگوی ایران اینترنت‌شنال با لیلی امیرارجمند خالق دنیایی بهتر برای کودکان ایران به آدرس <https://old.iranintl.com>

سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آرشو تاریخ شفاهی، مصاحبه کننده: داود کیانیان، مصاحبه با آقای منصور خلیج، ج دوم، مورخ ۱۳۹۷/۸/۶

گفتگوی لیلی امیرارجمند، نخستین مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با بی‌بی‌سی فارسی، مورخ مرداد ۱۳۹۴، <https://www.bbc.com/persian/arts/>

گفتگوی ویژه رسانه افق ایران و تلویزیون اندیشه با فرح پهلوی به مناسبت پنجاهمین سالگرد تاسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان youtube.com/watch

مصاحبه با امیر ارجمند، لیلی، ۱۳۹۴، آمریکا، منتشر شده در سایت www.andisheh.tv

مصاحبه با حسن حسندوست، فیلم مستند «نقش کانون در سینمای ایران در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰»، پایان نامه خاطره خدایی (مقطع دکترا)، قابل دسترسی به آدرس: <https://www.hashure.com>

مصاحبه با لیلی امیرارجمند، فیلم مستند «نقش کانون در سینمای ایران در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰»، پایان نامه خاطره خدایی (مقطع دکترا)، قابل دسترسی به آدرس: <https://www.hashure.com>

مصاحبه رضا گوهرزاد با لیلی امیر ارجمند www.andisheh.tv

مصاحبه نگارنده با دکتر محسن بهشتی سرشت، مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۰.

Mohseni Ardehali, Salma (2014) A Light in the Darkness, A glance on an Iranian Theatre and Puppet Theatre Center, Puppetry International Magazine, 2014, p.2.

Milani, Abbas (2008) Eminent Persians: Men and Women Who Made Modern Iran 1941-1979, Syracuse University Press, Syracuse, NY, 2 volumes., 838.